

«ماهیت، موضوع و هدفهای آموزش و پرورش تطبیقی»

محمد رضا سرکار آرایسی*

مقدمه

نظام آموزش و پرورش ستای اساسی هر پیشرفتی محسوب می شود و اساسی ترین عامل در هر توسعه است. بدین جهت، توجه، سرمایه گذاری و تلاش در رفع دشواریهای آن ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید. بهره گیری از تجربه های سایر ملل در زمینه توسعه و تعمیم آموزش و پرورش و شیوه های اصلاح و بهبود کیفی آن، تواناییهای ما را در حل مشکلات افزایش می دهد و عاقلانه است که از تجارب دیگران بهره گرفته شود و آزموده ها با صرف سرمایه های گزاف دوباره آزموده نشود. این رسالتی است که آموزش و پرورش تطبیقی آن را به انجام می رساند. آموزش و پرورش تطبیقی می کوشد تا از مقابله و مقایسه نظامهای گوناگون آموزشی به تفاوتها و شباهتهای موجود در آنها پی برد و دلایل توفیق و ناکامیهای نظامهای آموزش و پرورش، همراه با کشف عوامل مؤثر در هر یک از آنها را بیان کند و سایرین را از تکرار تجربه های تلخ باز دارد.

نویسنده مقاله حاضر تلاش کرده است تاریخچه، ماهیت، مفاهیم، هدفها، فایده ها، موضوع و قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی و عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش آن را تبیین کند، امید آنکه مورد توجه علاقه مندان و دانش پژوهان قرار گیرد.

* مربی و عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم کاشان

تاریخچه آموزش و پرورش تطبیقی

اولین مطالعات مقایسه‌ای در آموزش و پرورش، به صورت نقل مشاهدات و ارائه گزارشهای سیاحان، بازرگانان، مأموران سیاسی دولتها و جهانگردانی که از کشورهای دیگر بازدید می‌کردند، انجام شده است. در گذشته‌های دور، نویسندگان سفرنامه‌ها، ضمن مقایسهٔ اوضاع اقتصادی سیاسی و اجتماعی جامعهٔ خود با کشورهای دیگر، از اوضاع آموزش و پرورش و نحوهٔ اجرای برنامه‌های آموزشی کشورهای مورد بازدید نیز اطلاعاتی ارائه می‌دادند. سفیران و بازرگانان و سیاحان نیز در بازگشت از سفر و مأموریت خود، تجربه‌های موفق کشورهای دیگر را به دوستان و همکاران و مدیران جامعه منتقل می‌کردند.

یکی از قدیمی‌ترین مطالعات مقایسه‌ای به این شیوه در آموزش و پرورش، در آثار گزنفون^۱ یونانی تحت عناوین «تعلیم و تربیت و حقوق در ایران» و «سیرت کوروش» دیده می‌شود. وی در نوشته‌های خود، به شرح شیوهٔ آموزش و پرورش جوانان ایرانی پرداخته و ساخت، اهداف و نظام آموزش و پرورش ایران قدیم را با یونان آن زمان مقایسه کرده است.^۲ از دیگر مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی به این سبک، سفرنامهٔ «مارکوپولو»^۳ است که به توصیف خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مردم یکی از شهرهای معروف چین به نام «کین سی»^۴ پرداخته و در پایان گزارش خود، نتیجه گرفته است که تمام ویژگیهای اجتماعی مردم چین، از آموزش و پرورش سستی آنها نشأت می‌گیرد.

«الکسی دو تاکوویل»^۵، در اوایل قرن نوزدهم از آمریکا بازدید کرد و نتایج مشاهدات و مطالعات خود را در گزارشی تحت عنوان «دموکراسی در آمریکا» منتشر ساخت. تفاوت اساسی این گزارش با نمونه‌های قبلی، در نگرشی موشکافانه، دقیق و عمیق نویسندهٔ آن است که در خصوص ساختار آموزش و پرورش آمریکا ارائه کرد. وی ضمن توصیف و تجزیه و

1. Xenophon

۲. احمد آفا زاده، تاریخ تحول دانش تعلیم و تربیت تطبیقی، ص ۱۱.

3. Marcopolo

4. Kin say

5. Alexis de Tocqueville

تحلیل نظام آموزش و پرورش امریکا، نتیجه گرفت که: «جامعه‌ای که به ضرورت آموزش و تعلیم کلیه افراد خود در زمان و موقع مناسب پی نبرد و بدان عنایتی نداشته باشد باید منتظر گرفتاریها و نارواییهای عظیمی که حاصل چنین سهل‌انگاری است باشد»^۶

این رشته از مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش، فاقد نظام پژوهشی مدون و بیشتر مبتنی بر گرایشهای عامی و علاقه‌ها و نگرشهای شخصی سیاحان، جهانگردان، مأموران سیاسی و اقتصادی دولت‌ها و پژوهشگران علاقه‌مند به آموزش و پرورش سایر کشورها بوده است، ولی در هر صورت، جزء اولین و قدیمی‌ترین مطالعات مقایسه‌ای در آموزش و پرورش به شمار می‌رود.

انتشار کتاب مقایسه‌ای بر آموزش و پرورش تطبیقی توسط مارک آنتوان ژولین^۷ در سال ۱۸۱۷ م.، آغاز مرحله تازه‌ای در آموزش و پرورش تطبیقی محسوب می‌شود. اثر وی که از معروفترین مطالعات آموزشی و پرورش تطبیقی به شمار می‌آید بر الگو قرار دادن جنبه‌هایی از نظام آموزش و پرورش کشوری توسط کشور دیگر تأکید دارد و به عنوان اولین اثر علمی در این زمینه شناخته شده است.

وی اعتقاد داشت که کشورهای در حال توسعه، برای توسعه و بازسازی نظام آموزش و پرورش خود باید از کشورهای پیشرفته تقلید کنند و در اصلاح نظام آموزش و پرورش آنها را الگوی عملی خود قرار دهند.

ژولین سه اقدام عملی را جهت پیشبرد مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی پیشنهاد کرد که عبارتند از:^۸

۱. ضرورت تشکیل هیأت بین‌المللی تعلیم و تربیت مجهز به مرکز و اداره و کارکنان ثابت که بتوانند به مطالعه امور تعلیم و تربیت کشورهای عضو بپردازند.
۲. تدوین پرسشنامه‌هایی که به مدد آن بتوان اطلاعات و آمار لازم را در زمینه آموزش و پرورش کشورهای مختلف به دست آورد و در اختیار هیأت بین‌المللی تعلیم و تربیت قرار داد. این اقدام به منظور ارائه توصیه‌های لازم جهت بهبود وضعیت تعلیم و تربیت و از بین بردن نارساییهای آن در کشورهای مورد نظر انجام می‌شود.

۶. تاریخ تحول در دانش تربیت تطبیقی، ص ۱۸

7. Marc Antoine Julien

۸. تاریخ تحول دانش تعلیم و تربیت تطبیقی، ص ۲۵.

۳. چاپ و انتشار «مجله تعلیم و تربیت» به چندین زبان با هدف نشر اطلاعات و نوآوریهای آموزش و پرورش.

به دنبال ژولین، پژوهشگران بسیاری از کشورهای مختلف، مطالعات تطبیقی را در آموزش و پرورش، توسعه و تعمیق بیشتری بخشیدند که از آن جمله می‌توان از «ویکتور کوزن»^۹ «جان گریس کوم»^{۱۰}، «هوراس مان»^{۱۱}، «ماتیو آرنولد»^{۱۲} و «تولستو»^{۱۳} نام برد. همه این پژوهشگران، اعتقاد داشتند که الگو قرار دادن نظام آموزش و پرورش کشورهای توسعه یافته می‌تواند بسیاری از مشکلات کشورهای در حال توسعه را مرتفع سازد.

تأسیس دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت^{۱۴} در سال ۱۹۲۵ م. و سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی یونسکو^{۱۵} در سال ۱۹۴۵ م، زمینه گسترش همکاریهای فرهنگی - تربیتی را در سطح بین‌المللی فراهم ساخت و نه تنها زمینه تفاهم بین‌المللی را ایجاد کرد، بلکه بر تعامل میان نظامهای آموزش و پرورش و ساختارهای فرهنگی کشورهای نیز تأثیری شگرف داشت و در نتیجه، در توسعه و تحول آموزش و پرورش تطبیقی نقش بسزایی بر عهده گرفت.

تحقیقات پژوهشگرانی چون، میشل سدلر^{۱۶}، اسحاق کندل^{۱۷} و نیکلاس هانز^{۱۸}، مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش را از شکل توصیفی خارج کرد، و آن را به صورت مجموعه پژوهشهای منظم و نقادانه‌ای در آورد. به اعتقاد آنان آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی، از عناصر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی، مذهبی و ... متأثر است و در واقع، ریشه تحولات و موفقیتها و ناکامیهای هر نظام آموزشی و پرورش را باید در عوامل و عناصر سازنده آنها جستجو کرد و بهره‌گیری از تجربیتهای سایرین در توسعه و اصلاح آموزش و

9. Victor Cousin

10. John Griscom

11. Horace Mann

12. Matthew Arnold

13. Tolstoy

14. International Bureau of Education (IBE)

15. United Nation's Educational scientific and cultural organization (Unesco)

16. Michael Sadler

17. Issac Kandel

18. Nicolaus Hans

پرورش بدون توجه به روش‌ها، عوامل و عناصر مؤثر و سازنده آنها بیهوده است. با بهره‌گیری از دستاوردهای جدید مطرح شده در آموزش و پرورش تطبیقی یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران آموزش و پرورش تطبیقی معاصر، به نام «جرج زی اف - بردی»^{۱۹} لهستانی پس از سالها تلاش و تحقیق در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی و نگارش مقالات بسیاری در این زمینه، شیوه تحقیقات تطبیقی را در مقاله‌ای تحت عنوان گفتاری در باره روشهای آموزش و پرورش تطبیقی طرح و تبیین کرده است.

«بردی» در جریان مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش، چهار مرحله را مشخص کرده است

که این مراحل عبارتند از:

۱. مرحله توصیف؛

۲. مرحله تفسیر؛

۳. مرحله همجواری؛

۴. مرحله مقایسه.

به منظور روشن شدن نظر این دانشمند و تبیین مراحل انجام پژوهشهای تطبیقی در آموزش و پرورش، هر یک از این مراحل به اختصار بیان می‌شود:

۱. مرحله توصیف: به اعتقاد «بردی»، در این مرحله پژوهنده باید به توصیف نموده‌ها و پدیده‌های مورد تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف - چه از طریق مشاهده مستقیم و یا مطالعه اسنادی گزارشهای دیگران - به دست آورده است. بپردازد. به عقیده «بردی» مرحله توصیف، مرحله‌ای است که در آن دست برداری و تدارک یافته‌های کافی برای نقادی آنها در مرحله بعد است.

۲. مرحله تفسیر: این مرحله شامل بررسی اطلاعاتی است که در مرحله اول پژوهشگر به توصیف آن پرداخته است. تحلیل اطلاعات به اعتقاد «بردی» باید مبتنی بر اصول و شیوه مرسوم در علوم اجتهاد، می‌باشد.

۳. مرحله همجواری: در این مرحله اطلاعاتی که از صافی مراحل پیشین گذشته، طبقه‌بندی شده در کنار هم قرار می‌گیرند و چهارچوبی فراهم می‌شود که راه را برای مرحله بعدی، یعنی

مقایسه تشابهات و تفاوت‌های نمود یا پدیده مورد تحقیق، هموار می‌کند. به عقیده «بردی» در این مرحله، پژوهنده می‌تواند به فرضیه تحقیقی خود دست یابد.

۴. مرحله مقایسه: در این مرحله، مسأله تحقیق «که در مراحل قبلی - بسویژه در مرحله همجواری که محقق به اجمال از آن گذشته است - با توجه به جزئیات، در زمینه تشابهات و تفاوتها، بدقت مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد و رد یا قبول فرضیه تحقیق در این مرحله امکان پذیر می‌شود»^{۲۰}

به طور کلی، سیر تحول آموزش و پرورش تطبیقی را از آغاز تاکنون می‌توان در مراحل پنجگانه زیر خلاصه کرد:

۱. دوره نقل مشاهدات و شرح خاطرات سیاحان و جهانگردان؛
۲. دوره اقتباس و الگو قرار دادن جنبه‌های آموزش و پرورش کشوری توسط کشور دیگر؛
۳. دوره‌ای که مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش به همکاری‌های بین‌المللی و تفاهم و تعاون عمومی توجه داشت؛
۴. دوره‌ای که به نظام آموزش و پرورش، به عنوان یک نهاد اجتماعی که نمی‌تواند بدون نفوذ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی جامعه‌اش فعالیت کند و در الگوگیری باید به عوامل و عناصر مؤثر و سازنده آن توجه شود، نگریده می‌شد؛
۵. دوره‌ای که محققان آموزش و پرورش تطبیقی، از روشهای علمی معمول در علوم اجتماعی بهره گرفتند.

ماهیت آموزش و پرورش تطبیقی^{۲۱}

مطالعه آموزش و پرورش هر جامعه و مقایسه آن با نظام آموزش و پرورش جامعه دیگر، از هر نظر، توانایی لازم را برای حل مشکلات و مسائل مشابه افزون‌تر می‌سازد. بررسی تجربه‌های جوامع در حل مشکلات آموزش و پرورش، سایرین را توانایی می‌بخشد تا در حل

۲۰. تاریخ تحول دانش تعلیم و تربیت تطبیقی ص ۷۸ - ۷۹.

دشواریهای آموزشی نبود، گامهای مؤثری بردارند و این رسالتی است که مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش را برای به انجام می‌رساند.

جهانی شدن آموزش و پرورش و توجه بیش از پیش دولتها به نظارت بر نظام آموزش و پرورش، تأسیس «مجلس بین‌المللی تعلیم و تربیت» و عمومیت مشکلات آموزش و پرورش در سراسر جهان، موجب بررسیها و مطالعاتی شده که به درمان نارساییها کمک بسیاری کرده است؛ به نحوی که مباحثی مانند تأمین منابع مالی آموزش و پرورش، افزایش هزینه‌ها، تعمیم آموزش و پرورش عمومی، افزایش تقاضای آموزش و پرورش، روشهای بهبود سازمان و مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، آموزش فنی و حرفه‌ای و عدم تعادل و تساوی در برخورداری از حقوق آموزش و پرورش در سطوح مختلف، از جمله مسائل جهانی آموزش و پرورش محسوب می‌شوند و در کمتر مجالس بین‌المللی آموزش و پرورش است که در باره آنها بحث و راههای مناسبی لازم توصیه نشود.

با عنایت به تفاوتها فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و ... که نظامهای آموزشی متفاوت را به وجود می‌آورد - همانطور که اشاره شد - این نظامها دارای مسائل و مشکلات شباهتی هستند و بر اساس مطالعه تجربه‌ها و شیوه‌های توسعه و اصلاح آموزش و پرورش سایر کشورها، بر تبادلات ما در جهت رفع دشواریهای موجود نظام آموزش و پرورش خود می‌افزاید.

«اسحاقی کندل» در بررسی‌هایش آموزش و پرورش تطبیقی شهرت دارد معتقد است:

«تقریباً در کلیه جوامع و تمدنهای مختلف و در کشورهای گوناگون به هم‌دیگر شباهت دارند، ولی روشهای مورد استفاده برای حل مشکلات مربوط، با ستها و فرهنگ هر یک از جوامع ارتباط پیدا می‌نمایند. در بررسیها مربوط به آموزش و پرورش تطبیقی، باید به عوامل خارج از مدرسه توجه ویژه مبذول کرد. در تجزیه و تحلیل آن باید ارتباط موجود بین نظامهای مختلف در نظر گرفته شود. بررسیها و مقایسه‌ای در زمینه آموزش و پرورش را می‌توان به صورت ادامه‌ای از تحقیقات مربوط به تاریخ تعلیم و تربیت و یا تأکید بر نقطه‌نظرهای فلسفی آموزش و پرورش و یا همچنین به صورت روش‌شناسی تلقی نمود کوشش در این راه، نه تنها در قلمرو آموزش و پرورش در کشورهاش بوده و از ارزش‌های ثوریک برخوردار است، بلکه در تدارک نوعی

جهان‌گرایی جدید که بر مبنای تفاهم بین ملتها قرار دارد، مؤثر می‌باشد.^{۲۲}

اقتباس یک روش، ساختار، سازمان، محتوا و یا برنامه آموزشی از یک کشور بیگانه بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی که این نظام آموزشی را از نظام دیگر متمایز می‌سازد، اشتباه بزرگی است و در صورتی که تقلیدی کورکورانه باشد، بیش از هر عامل تهدیدکننده اجتماعی و فرهنگی دیگر می‌تواند خطرناک باشد و نه تنها نتیجه‌ای مثبت به همراه نخواهد داشت بلکه عدم تناسب میان نظام آموزش و پرورش با نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی و شرایط و عوامل تشکیل‌دهنده بنیان آموزش و پرورش بر مشکلات خواهد افزود. در نهایت، کیان فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، جامعه را متزلزل می‌کند و استقلال فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جامعه را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. بعلاوه وضعیت جدید احتمالاً نظام آموزشی قبلی را نیز از اثربخشی ممکن و محتمل می‌اندازد.

«فردریک اشنايدر»^{۲۳} از محققان آموزش و پرورش تطبیقی و مؤسس سازمان آموزش و پرورش تطبیقی «سلزبورگ»^{۲۴} معتقد است:

«نیروها و عواملی که در جریان تعلیم و تربیت مؤثرند عبارتند از:

۱. منش و ویژگیهای ملی؛

۲. محدوده جغرافیایی؛

۳. فرهنگ؛

۴. علوم و فنون؛

۵. فلسفه؛

۶. زندگی اقتصادی؛

۷. سیاست؛

۸. مذهب؛

۹. تاریخ.

۲۲. الکساندر و کلبارد. مقایسه روشها و مسائل تربیتی، ترجمه سیف‌الله بهاری و احمد بیانی، انتشارات گوتنبرگ، تهران، ۱۳۵۸،

23. Friedrich Schneider

24. Salzburg

اشنايدر تأکید می‌نماید که بدون توجه به عوامل مذکور، مطالعه و بررسی جامع نظام تعلیم و تربیت که از حوزهٔ نیروهای فوق خارج نیست، امکان‌پذیر نخواهد بود.^{۲۵}

بدیهی است که تجربهٔ سایر ملل، ما را در رفع مشکلات موجود آموزش و پرورش در زمینه‌های مختلف یاری می‌رساند و از تکرار تجربه‌های تلخ دیگران باز می‌دارد، ولی باید به این نکتهٔ حائز اهمیت توجه داشته باشیم که کسب تجربه و تجزیه و تحلیل با تقلید کورکورانه متفاوت است؛ زیرا به قول پائولو فریر^{۲۶} «تجربهٔ کشوری را نمی‌توان در کشوری دیگر نشا کرد».^{۲۷}

مفهوم آموزش و پرورش تطبیقی

از آموزش و پرورش تطبیقی تعاریف متعددی وجود دارد که اگر چه دارای منظور و مقصود واحدی هستند و دیدگاه خاصی را دنبال می‌کنند و انگاره‌ای ویژه را القا می‌کنند ولی از وحدت عمومی در برداشته‌ها برخوردار نیستند و هر اندیشمندی با بهره‌گیری از تجارب ذهنی و حوزهٔ فعالیت علمی و روش و منظور خود، آن را بیان کرده است. در اینجا برخی از مهمترین این تعاریف آورده می‌شود و در پایان به تعریف انتخابی اشاره خواهد شد.

بر اساس فرهنگ لیشره^{۲۸} «مقایسه» عبارت از بررسی شباهتها و اختلافهاست»^{۲۹} در کتاب «روشهای تحقیق مقایسه‌ای» وارویک^{۳۰} آمده است:

«مقایسه و تطبیق جریانی است که در نهایت کوشش می‌کند تفاوتها و شباهتهای میان پدیده‌ها و رویدادها، تعیین کند».^{۳۱}

۲۵. تاریخ تحول دانش تعلیم و تربیت تطبیقی، ص ۶۱.

26. Paulo Freire

۲۷. محمدعلی امیری، نقش تطبیقی آموزش و پرورش در بازسازی و نوسازی ایران، ص ۳۴، فصلنامهٔ تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۲، تهران، ۱۳۶۸.

28. Litera

۲۹. خسرو اسدی، روشها و تعاریف اجتماعی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۰۸، به نقل از بافر ساوختی، روشهای مقایسه‌ای، نشریه علوم تربیتی، سال نهم، شماره ۱-۴، ۱۳۶۵، ص ۳۹.

30. Warwick

31. Donald P. Warwick - Samule osherson, Comparative Reasearch Methods, Prentice - Hall, INC Engle wood cliffs, New Jersey, 1973.P.7.

در «فرهنگنامه آموزش و پرورش تطبیقی و نظامهای ملی آموزش و پرورش»^{۳۲} مقایسه و تطبیق چنین تعریف شده است:

«نهایت فعالیت تطبیق و مقایسه، بررسی و تبیین تشابهها و تفاوتهای میان دو یا چند پدیده از طریق کنار هم گذاردن آنهاست. در زمینه آموزش و پرورش؛ این شیوه در مقایسه میان نظامهای آموزش و پرورش مورد استفاده قرار می‌گیرد».^{۳۳} به عقیده «مالینسون»^{۳۴} آموزش و پرورش تطبیقی یعنی «بررسی و تحلیل منظم سایر فرهنگها و نظامهای آموزشی، به منظور کشف شباهتها و تفاوتها و کشف اینکه چرا برای مسائل و مشکلات یکسان راه‌های متفاوتی ارائه شده است».^{۳۵}

«پدروروسلو»^{۳۶} از نظریه پردازان آموزش و پرورش تطبیقی «آموزش و پرورش تطبیقی را عبارت از کاربرد متون مقایسه، به منظور مطالعه جنبه‌های مشخص از مسائل تربیتی می‌داند».^{۳۷} «له تانه خوی»^{۳۸} در مقاله خود تحت عنوان آموزش و پرورش تطبیقی چیست و به چه کار می‌آید؟ آموزش و پرورش تطبیقی را اینگونه تعریف کرده است:

«آموزش و پرورش تطبیقی علمی است که در ارتباط با زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف، در پی جستجو و تحلیل و تفسیر شباهتها و تفاوتهایی است که میان رویدادهای آموزشی و پرورشی این جوامع وجود دارد».^{۳۹} با مطالعه و توجه دقیق به تعاریف بیان شده، آموزش و پرورش تطبیقی را می‌توان به شرح زیر تعریف کرد:

آموزش و پرورش تطبیقی، عبارت است از مقابله و مقایسه نظامهای مختلف آموزشی به

32. The Encyclopedia of Comparative Education and National systems of Education.

33. T - Neville postlethwaite, the Encyclopedia of Compative Education and National systems of Education, pergramon press, 1988. P.Xvii.

34. Venon Mallinson.

۳۵. پری سیما شمس‌آوری، آموزش و پرورش تطبیقی، جزوه درسی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، ص ۹۶.

36. Pedro Rossello

۳۷. الکساندر و کسلیبارد، مقایسه روشها و مسائل تربیتی، ص ۲۶.

38. Le Thanh Khoi

۳۹. له تانه خوی، آموزش و پرورش تطبیقی چیست و به چه کار می‌آید؟ ترجمه مرندی امین‌فر، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹،

بهار ۱۳۶۶، ص ۸.

منظور تشخیص و شناخت تفاوتها و تشابه‌های آنها در ابعاد نظری و عملی. مقایسه و تبیین نکات هدایی و اشتراک و تجزیه و تحلیل هر یک، می‌تواند شامل کل نظام آموزش و پرورش از دریا چند کشور باشد و یا فقط به زمینه‌های ویژه‌ای از سازمان، مدیریت، برنامه‌های آموزشی، ساختار آموزشی و شیوه‌های ارزشیابی آموزشی محدود شود. بعلاوه می‌تواند در یک منطقه خاص جغرافیایی صورت گیرد و یا اینکه در مناطق مختلف در زمان حاضر و یا در دوران تاریخی گذشته صورت پذیرفته باشد. باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که مقصود اساسی از مطالعه و تجزیه و تحلیل تفاوتها و تشابه‌های نظامهای مختلف آموزشی، کوشش در بیوت ریشه‌یابی و تشخیص توفیقا و ناکامیهای نظامهای آموزش و پرورش همراه با عوامل مؤثر در هر یک از آنها است.

عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش آموزش و پرورش تطبیقی

بحث تفصیلی در باره عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش آموزش و پرورش تطبیقی از حوصله این نوشتار خارج است. اما این رو، به ذکر فهرست وار عمده‌ترین عوامل بسنده می‌شود:

۱. استقلال بسیاری از کشورها پس پایان جنگ جهانی دوم؛
۲. به وجود آمدن نظامهای آموزش و پرورش در سطوح ملی؛
۳. ایجاد روابط گسترده بین کشورها و لزوم مبادلات و همکاریهای فرهنگی و تربیتی در سطح بین‌المللی؛
۴. ایجاد سازمانهای بین‌المللی در زمینه‌های فرهنگی و تربیتی مانند یونسکو، دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت، مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی؛^{۴۰}
۵. تشکیل گروه‌های و کنگره‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت، بویژه «شورای جهانی آموزش و پرورش تطبیقی»؛
۶. اشتغال سازمانهای آموزشی به مشکلات تربیتی مشابه؛
۷. توجه به نقش آموزش و پرورش در ایجاد و گسترش تفاهم اجتماعی و بین‌المللی؛
۸. توجه به بهره‌گیری از تجربه‌های سایر ملل در حل مشکلات آموزشی؛

۹. نشر آثار مهم و ارزشمند در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی و مسائل تربیتی
جوامع مختلف در سطح بین‌المللی؛
۱۰. توجه، نظارت و سیاست‌گذاری دولتها در آموزش و پرورش ملی.

موضوع و قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی

مطالعه آنچه تاکنون بیان شده است، موضوع آموزش و پرورش تطبیقی را مشخص می‌سازد. آموزش و پرورش تطبیقی ضمن اینکه کوشش می‌کند به تشریح و توصیف نظامهای آموزش و پرورش پردازد، با مشاهده، مقایسه و تجزیه و تحلیل دقیق واقعیت‌های موجود نظامهای آموزش و پرورش، به تبیین علل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و مذهبی پیدایش واقعیت‌های موجود نظامها می‌پردازد و در نهایت تلاش می‌کند تا مجموعه عوامل و زمینه‌های مؤثر در ایجاد پیروزیها و شکست‌های نظامهای آموزشی را نشان دهد.

«سدلر»، از دانشمندان آموزش و پرورش تطبیقی در این باره معتقد است که «ارزش واقعی مطالعه تطبیقی مؤسسات آموزشی، در این نیست که امکان انتقال طرحها، نوآوریها و شیوه‌های تعلیم مرسوم در کشوری را به کشور دیگر تسهیل نماید، بلکه هدف اصلی آن است که دریابیم تحت چه شرایط و اوضاع و احوالی جامعه‌ای توانسته است، در اصلاح و توسعه نظام تعلیم و تربیت خود موفقیت کسب نماید و از نظامی کارآ و مثبت برخوردار باشد؟ پس از روشن شدن این مطلب، کوشش بعدی بر آن خواهد بود که سعی گردد، شرایط و زمینه‌های مساعد و مشابهی را که معمولاً با از بین بردن نابسامانیها و ترمیم کاستیهای «زندگی ملی»^{۴۱} همراه است، به منظور برخورداری از نتایج مورد انتظار در کشور فراگیرنده، به وجود آوریم»^{۴۲}.

در مطالعات تطبیقی باید به این نکته توجه داشت که نظام آموزش و پرورش هر جامعه بر بنیانهای تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و مذهبی آن جامعه، مبتنی است و نظام آموزش و پرورش را باید در ارتباط با هر یک از عوامل اشاره شده مورد مطالعه قرار داد. بدون مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق و عمیق هر یک از مبانی فوق و شناخت ارتباط و

41. National Life

کنش متقابل آنها، به گونه‌ای است که بتوانیم به قضاوتی صحیح در باره نظام آموزش و پرورش جامعه مورد مطالعه دست یابیم.

«نیکلاس هاتر» یکی مطالعات تطبیقی خود به این مسأله مهم توجه داشته است. او در آثار خود، بیشتر، پژوهشگران را به توجه به عواملی تاریخی و اجتماعی که در تعیین نوع نظام آموزش و پرورش جامعه مؤثرند، توصیه می‌کند. وی اعتقاد دارد که:

«نظام آموزش و پرورش یک جامعه هم متأثر از «کارا کتر ملی» جامعه است و هم بر آن اثر می‌گذارد. او «کارا کتر ملی» یک ملت را منبث از نیروها و عواملی می‌داند که در طول تاریخ قوام و شکل یافته است. وی تأکید می‌کند به منظور دستیابی به اصول کلی که بتوان در توجیه نظامهای آموزش و پرورش جوامع تحت مطالعه از آن سود گرفت، باید بدو به تجزیه و تحلیل این عوامل که شامل نژاد، زبان، محیط اجتماعی، محیط فیزیکی، مذهب و افکار و عقاید فلسفی و اجتماعی می‌باشد، پردازیم.»^{۴۳}

قلمرو آموزش و پرورش تطبیقی به مجموعه عوامل و حقایقی در آموزش و پرورش اطلاق می‌گردد که همراه با سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی بنیان تعلیم و تربیت جامعه را پی‌ریزی می‌کنند و «عوامل» در مطالعات تطبیقی مورد مقایسه، مشاهده، بررسی و تجزیه و تحلیل منطقی و منظم و برنامه‌ریزی شده قرار می‌گیرند.

فرهنگنامه آمار و پرورش تطبیقی و نظامهای ملی آموزش و پرورش مهمترین این عوامل را به قرار زیر آورده است:

مطالعات تطبیقی علوم انسانی

۱. اقتصاد آموزش و پرورش؛
۲. خط مشی و برنامه‌ریزی آموزشی؛
۳. ساختار مدارس ابتدایی و متوسطه؛
۴. آموزش و پرورش پیش دبستانی؛
۵. تربیت معلم؛
۶. پیشرفت (تکامل) انسان؛
۷. برنامه‌ریزی درسی؛
۸. آمار آموزش و پرورش؛

۹. آموزش عالی؛

۱۰. آموزش و پرورش غیر رسمی؛

۱۱. آموزش بزرگسالان.^{۴۴}

هدفها و فواید آموزش و پرورش تطبیقی

آموزش و پرورش تطبیقی کوشش می‌کند، برنامه‌ریزان آموزشی را در حل دشواریهای آموزشی یاری دهد و زمینه‌های لازم را برای تفاهم و ارتباط میان فرهنگها و ملتها فراهم سازد. بعلاوه، آموزش و پرورش تطبیقی مجموعه عوامل سازنده نظامهای آموزش و پرورش با ویژگیهای خاص را مشخص می‌کند؛ وجوه افتراق و اشتراک میان آنها را می‌یابد و راههای نظری و عملی‌ای را که نظامهای آموزش و پرورش در حل مشکلات خود به کار می‌گیرند تبیین می‌کند. در نهایت یک پژوهش تطبیقی در پی آن است که پژوهشگر را در تجزیه و تحلیل مشکلات نظام آموزش و پرورش خود توانا سازد و وی را در حل منطقی و معقول آنها یاری دهد.

«به اعتقاد اسحاق کندل»، ارزش عمده پژوهشهای تطبیقی در زمینه تعلیم و تربیت:

الف) در تجزیه و تحلیل علل به وجود آورنده مسائل و مشکلات تعلیم و تربیتی است،
ب) در مقایسه تفاوت‌های موجود بین نظامهای آموزش و پرورش مماثلک مورد مطالعه با ذکر دلایل مبتنی بر وجود این تفاوتها و بالاخره نشان دادن شیوهای متفاوت برخورد و طرق حل این مشکلات در جوامع مورد مطالعه می‌باشد.^{۴۵}

آموزش و پرورش تطبیقی قادر است توانایی لازم برای درک صحیحتر نظام آموزش و پرورش ملی را فراهم سازد؛ بر امکان ارزشیابی همه جانبه‌تر برنامه‌های آموزشی بیافزاید، کیفیت راه‌حلهای پیشنهادی جهت حل دشواریها را بالا برد، و امکان بهره‌گیری از تجارب دیگران را فراهم ساخته، احتمال تکرار اشتباهات دیگران را کاهش دهد. علاوه براین، مسئولان آموزش و پرورش را با دید وسیعتری، با آرمانهای جهانی، به مصاف با بحرانیهای

44. T. Neville postlethwaite, PP. XXI. XXIII.

۴۵. تاریخ تحول دانش تعلیم و تربیت تطبیقی، ص. ۶۵ - ۶۶.

آموزش و پرورش می‌دهند.

«فرهنگنامه آموزش و پرورش تطبیقی و نظامهای ملی آموزش و پرورش» عمده‌ترین هدفهای مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش را به شرح زیر ذکر کرده است:

۱. «شناخت فعالیتهای انجام شده در نقاط دیگر که توانایی کمک به اصلاح و پیشرفت آموزش و پرورش ما را دارد»
۲. ارزیابی نتایج مشهور و غیر مشهور نظام آموزش و پرورش؛
۳. توصیف، تفسیر و تحلیل وجودی تفاوتها و تشابههای نظامهای آموزش و پرورش در زمینه‌های مختلف آموزشی و پرورشی (هدفها، ساختار، منابع مالی و...)
- آموزش و پرورش در کشورهای مختلف آموزشی و پرورشی (هدفها، ساختار، منابع مالی و...)

۴. شناخت اصول کلی و اصول مؤثر در نتایج آموزش و پرورش»^{۴۶}.
همچنین «فرهنگنامه آموزش و پرورش»^{۴۷} اهداف زیر را برای آموزش و پرورش تطبیقی ذکر می‌کند:

۱. آموزش و پرورش تطبیقی باید به کسب دانستیهای بیشتری در جریان تعلیم و تربیت بینجامد.
۲. این دانش باید ملاقه و اطلاعات در باره نظامهای تربیتی بخصوصی را افزایش دهد و بتواند توضیح دهد که آنها چرا چنین هستند؛
۳. باید اصلاحات و تجدیدنظرها و پیشرفت برنامه‌ریزی مخصوص را در نظامهای آموزشی مدارا و سهیل کند؛
۴. باید گرایشهای مطلوب بین‌المللی را در میان آنان که این رشته را مطالعه می‌کنند افزایش دهد.^{۴۸}

به عنوان نتیجه نهایی لازم است بر این نکته مهم تأکید شود که منظور از مطالعه تطبیقی، هیچگاه این نبوده که از دیگران، به صرف اینکه اصلاح و توسعه‌ای - از دیدگاه خود -

46. T. Neville postleth waite, pp. XiX. XXI.

47. The Encyclopedia of Education

۴۸. علی محمد الماسی، آموزش و پرورش تطبیقی، جزوه درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۹.

موفقیت آمیز انجام داده‌اند، تقلید کنیم، یا اینکه بر اساس تمایلات خود آنها را مردود بشماریم، بلکه بر اساس مطالعه تطبیقی بر یک پژوهش علمی منظم و برنامه‌ریزی شده استوار است. این مطالعه با رعایت همه جوانب، کوشش می‌کند، عوامل موفقیت و عدم آن را در قالب تجارب آموزنده برای دست‌اندرکاران آموزش و پرورش تجزیه و تحلیل کند و به همگان پیامی آموزد که چگونه از تجربه‌های دیگران در این زمینه بهره‌گیرند.^{۴۹}

منابع

الف) منابع فارسی

۱. آفازاده، احمد؛ تاریخ تحول دانش تعلیم و تربیت تطبیقی، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸.
۲. امیری، محمدعلی؛ نقش اساسی آموزش و پرورش در بازسازی و نوسازی ایران، فصلنامه تعلیم و تربیت، نشریه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سال پنجم، شماره ۲، تهران، ۱۳۶۸.
۳. الماسی، علی‌محمد؛ آموزش و پرورش تطبیقی، جزوه درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. خوی، له‌تانه؛ آموزش و پرورش تطبیقی چیست و به چه کار می‌آید؟ ترجمه مرتضی امین‌فر، فصلنامه تعلیم و تربیت، نشریه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سال سوم، شماره ۱، تهران ۱۳۶۶.
۵. ساروخانی، باقر؛ روشهای مقایسه‌ای، نشریه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال نهم، شماره ۴-۱، تهران، ۱۳۶۵.
۶. سرکار آرنی، محمدرضا؛ مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ژاپن و ایران، پایان‌نامه فوق‌لیسانس، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تیرماه ۱۳۷۰.
۷. شمس‌آوری، پری‌سیما؛ آموزش و پرورش تطبیقی، جزوه درسی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
۸. و کسلیارد، الکساندر؛ مقایسه روشها و مسائل تربیتی، ترجمه سیف‌الله بهاری و احمد بیانی، انتشارات گوتنبرگ، تهران ۱۳۵۸.

۴۹. راقم این سطور با توجه به علایق و ضرورت‌های مربوط در این موضوع پایان‌نامه فوق‌لیسانس خود را در زمینه مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ژاپن و ایران تألیف کرده است. خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند جهت مطالعه بیشتر به بخش پایان‌نامه‌های دانشکده انسانی دانشگاه تربیت مدرس مراجعه کنند.

ب) منابع انگلیسی

1. Hans, Nicholas: Comparative Education, a study of Educational Factors and Traditions, Kegan Paul, London, Reprinted, 1964.
2. King, Edmund J: Comparative studies and Educational Decision, the Bobbs - Merrill Company, New York, 1968.
3. Postleth Waite, T. Neville: The Encyclopedia of Comparative Education and National Systems of Education, Pergamon Press, 1988.
4. Warwick, Donald and Osherson, Samuel: Comparative Research Methods, Prentice-Hall, Inc., Englewood Cliffs, New Jersey, 1973.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی